

اشاره:

در اقتصاد مبتنی بر بازار، نظام بانکی نقش و جایگاه ویژه‌ای در نظام اقتصادی ایفا می‌کند. این نقش در نظارت بر جریان پولی، هدایت نقدینگی به بخش‌های اقتصادی دارای اولویت و رسیدن به اهداف رشد و توسعه اقتصادی پایدار حایز اهمیت است. چنانچه نظام بانکی بتواند وظایف خود را در این محورها به خوبی انجام دهد، قادر است به بخش‌های عمومی و خصوصی در دستیابی به هدف‌های رشد و توسعه کمک بسزایی کند. در مقابل، اگر نظام بانکی در انجام وظایف خود توفیق نداشته باشد، بحران‌های پولی و در پی آن بحران‌های اقتصادی و برهم‌ریختگی نظام اقتصادی محتمل می‌باشد.

در کشورهایی که نظام بانکی از آزادی عمل بیشتر در اتخاذ تصمیم‌های اساسی (برای سرمایه‌گذاری و ارایه تسهیلات بانکی به متقاضیان) برخوردار است، هر چند که نظارت‌هایی از طریق تغییر در نرخ‌های تنزیل از سوی بانک مرکزی اعمال می‌شود، لیکن نظام بانکی در جهت به حداکثر رساندن سود و منافع حرکت می‌کند و بازده‌هایی سرمایه‌افزایش می‌یابد.

اما در نظام‌های اقتصادی که بانک‌ها و ادار به اعمال سیاست‌ها و تصمیم‌های متخذه از سوی بانک مرکزی و در نهایت دولت می‌باشند، آزادی عمل خود را تا حدود زیادی از دست می‌دهند و همین امر بر روند سرمایه‌گذاری و هدایت پولی تأثیر دارد. در این‌گونه نظام‌ها جایگاه ارزیابی و توجیه اقتصادی طرح‌های مالی مخدوش می‌شود و در نهایت بانک‌ها نمی‌توانند به عنوان مؤسسات اقتصادی مستقل ایفای نقش کنند.

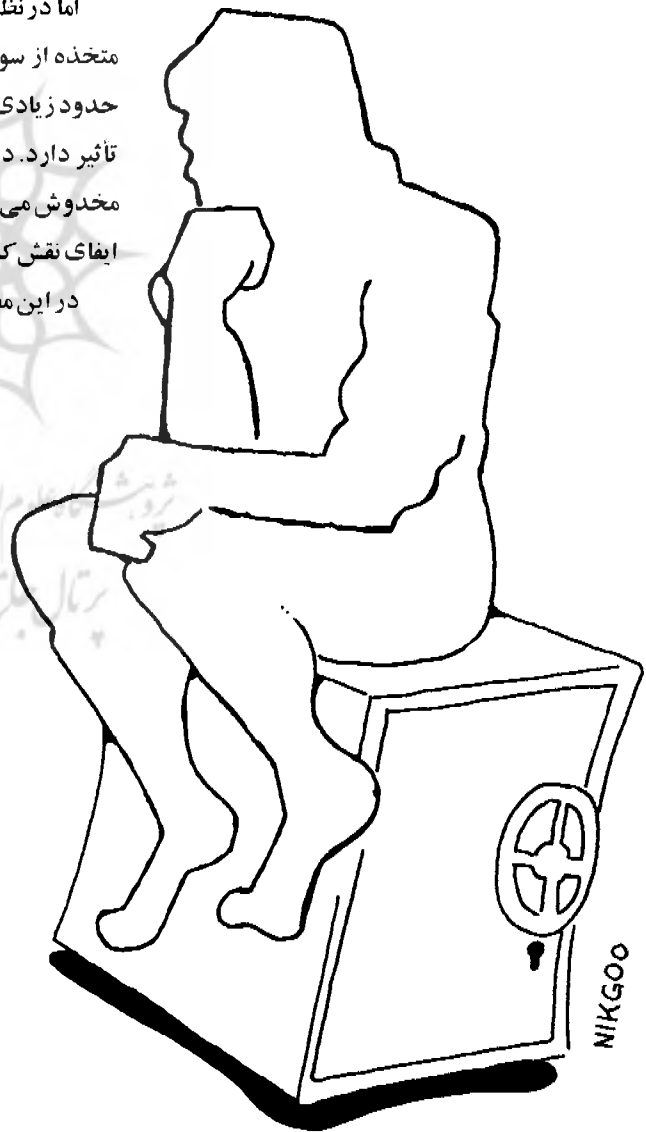
در این مقاله تلاش می‌شود جایگاه نظام بانکی در اقتصاد کشور تشریح گردد.

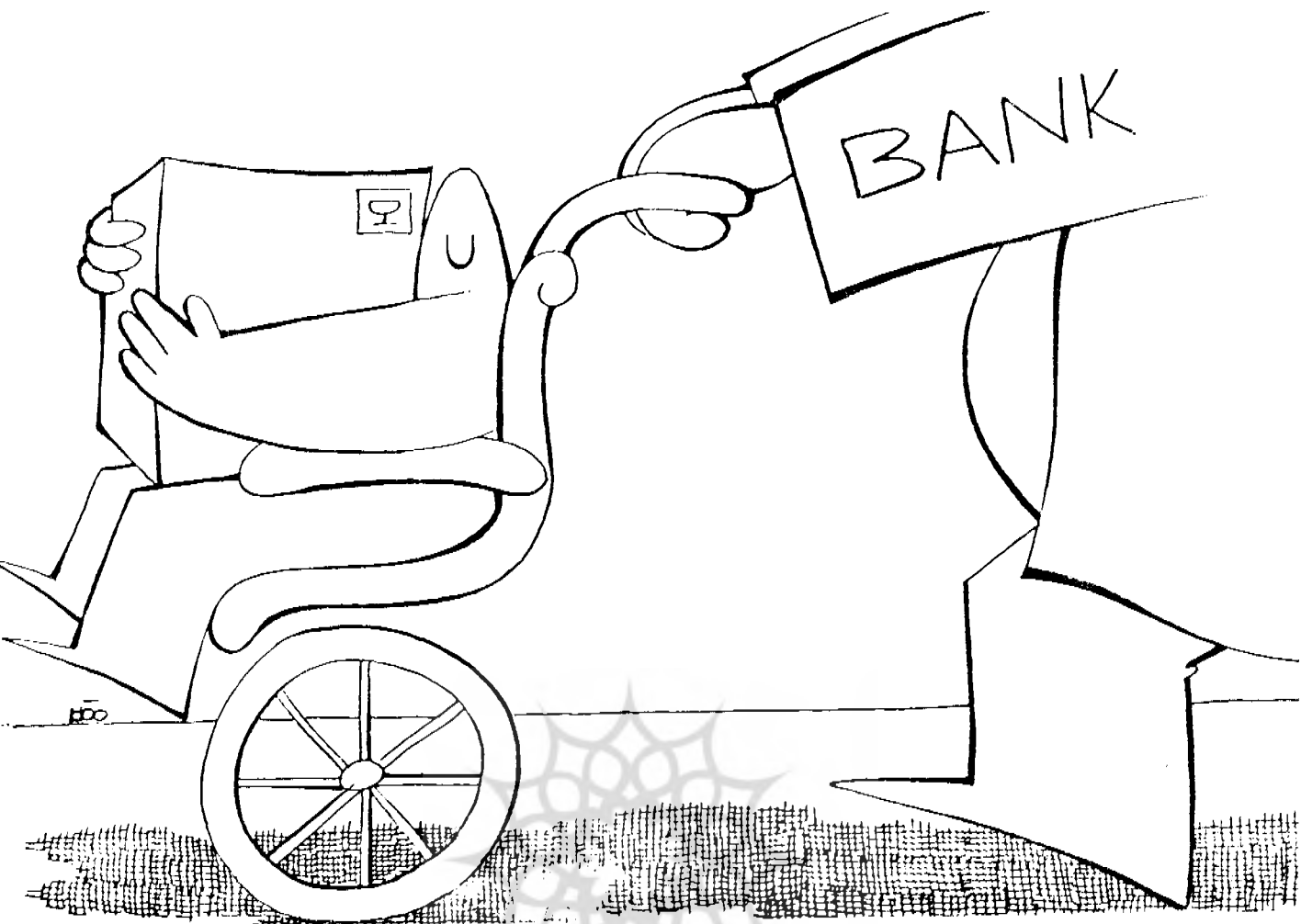
### نقش نظام بانکی در اقتصاد ایران

با ملی شدن بانک‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌طور عملی سیاست‌گذاری و هدایت نظام بانکی کشور در اختیار بخش عمومی قرار گرفت و بانک‌ها تا حدود زیادی نتوانستند از توانایی‌های خود در ارشاد فعالیت‌های پولی و بانکی استفاده کنند. با وجود مشکلات عدیده‌ای که در اثر محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بر اقتصاد کشور تحمیل شد، بانک‌ها که در واقع بازوی مالی دولت هستند، وارد عرصه شدند و نقش خود را به عنوان مؤسسات پولی مستقل از دست دادند.

با تصویب قانون بانکداری بدون ربا و روشن شدن فضای فعالیت بانک‌ها در قالب عقود اسلامی تا حدود زیادی کاستی‌های گذشته که به رکود فعالیت نظام بانکی منجر شده بود، برطرف شد. با این حال هنوز نظام بانکی قادر به ایفای نقش مؤسسه اعتباری مستقل نیست و همین امر در کارایی نظام بانکی تأثیر بسزایی دارد. این واقعیت که نظام بانکی نقش هدایت جریان پولی مازاد بر

جایگاه  
نظام  
بانکی  
در  
اقتصاد  
ایران





اعتباری دولت و انجام وظیفه در چارچوب سقف‌های اعتباری تعیین شده از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران شدند.

○ سیاست‌گذاری و هدایت نظام بانکی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در اختیار بخش دولتی قرار گرفت و بانک‌ها تا حدود زیادی نتوانستند از توانایی‌های خود در ارشاد فعالیت‌های پولی و بانکی استفاده کنند.

این روند فعالیت بانک‌ها، اگر چه به دولت در پیاده کردن برنامه‌های توسعه اقتصادی کمک بسزایی کرده، لیکن نتوانسته است بانک‌ها را در ایفای نقش اقتصادی سازمانی مستقل آزاد گذارد. پیامد چنین حرکتی، نارضایتی متقاضیان دریافت اعتبارات به‌ویژه در بخش خصوصی بوده است. زیرا که ارزیابی طرح‌های اقتصادی بر اساس بازده نهایی سرمایه‌گذاری بانک‌ها به فراموشی سپرده شده و تسهیلات اعتباری در قالب تبصره‌های مختلف

نیاز مصرف‌کنندگان به فعالیت‌های اقتصادی را دارد، انکارناپذیر است. در اقتصاد ایران نیز بانکداری بدون‌ریا جایگاه ویژه خود را دارد، لیکن حاکمیت و مالکیت دولت بر بانک‌ها اگرچه اعتماد عمومی به آنها را حفظ نموده است، اما بر فعالیت اقتصادی‌شان تأثیر دارد.

○ نظام بانکی در هدایت جریان نقدینگی به بخش‌های اقتصادی دارای اولویت و رسیدن به اهداف رشد و توسعه اقتصادی پایدار، نقش بسزایی دارد.

با اجرای برنامه تعدیل ساختار اقتصادی در قالب نخستین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، نظام بانکی در اختیار دولت قرار گرفت و در جهت اهداف موردنظر بخش عمومی ایفای نقش کرد. در راستای اجرای دو برنامه توسعه اقتصادی در کشور، بانک‌ها مکلف به پذیرش سیاست‌های پولی و

پولی به معاملات سوداگران (ارز، طلا، کالا و...) کشیده شد. در واقع آن گروه از پس اندازکنندگان که درک بیشتری نسبت به شرایط اقتصادی داشتند، توانستند با سوداگری نه تنها از کاهش قدرت خرید خود در اثر تورم جلوگیری کنند، بلکه به سودهای سرشاری دست پیدا کنند و در عین حال جریان مخربی برای اقتصاد کشور راهبری نمایند.

در واقع، این موضوع مطرح است که اگر نظام بانکی از استقلال و آزادی عمل در سال‌های اخیر برخوردار بود و می‌توانست در عرصه تولید و تجارت نقش فراتر از میزان کنونی ایفا کند، نه تنها قادر بود قدرت خرید سپرده‌گذاران را حفظ نماید، بلکه جریان پول در اقتصاد را بهتر هدایت و راهبری می‌نمود. قوانین بانکداری بدون ربا در حد کافی قدرت مانور برای بانکها جهت حضور فعال در عرصه فعالیت‌های اقتصادی را تعبیه کرده‌اند و می‌توانند ابزارهای مناسبی در اختیار مدیریت بانکی قرار دهند تا با ارزیابی اقتصادی دقیق، حتی در جهت اهداف دولت و در کمک به نظام اقتصادی فعالیت نمایند.

نگرانی از فشار نقدینگی در سال‌های اخیر، همواره اصلی بوده است که مهار نظام بانکی را توجیه نموده است. اما آیا به صراحت می‌توان گفت که راه‌های مبارزه با رشد نقدینگی تنها در محدودیت بانک‌ها و اعمال سیاست‌های انقباضی نهفته است؟

عوامل رشد نقدینگی در سال‌های اخیر به گفته مسؤولان پولی کشور فقط تسهیلات اعطایی بانک‌ها نبوده، بلکه مجموعه فعالیت دولت در بخش سرمایه‌گذاری‌های کلان ساختار اقتصادی و حساب ذخیره تعهدات دولت، بیش از اعتبارات بانکی در رشد نقدینگی مؤثر بوده است. در این شرایط نمی‌توان نظام بانکی را به تنهایی مسؤول رشد نقدینگی و فشارهای تورمی دانست. بر اساس تحقیقات و پژوهش‌های کارشناسان امور اقتصادی، سیاست تعدیل ساختاری خواه‌ناخواه فشار تورمی دارد. لیکن مسأله اساسی آن است که طراحان و مجریان این سیاست از پیش در فکر مبارزه با فشارهای تورمی باشند و روند بازار را زیر نظر بگیرند.

○ در جریان اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی، بانک‌ها مکلف به پذیرش سیاست‌های پولی و اعتباری دولت شدند و چارچوب سقف‌های اعتباری تعیین شده از سوی بانک مرکزی را تا حدود زیادی رعایت کردند. این امر به نارضایتی متقاضیان دریافت اعتبارات از بانک‌ها انجامید.

بودجه‌های سالانه می‌بایست پرداخت گردد. از سوی دیگر سپرده‌گذاران نزد سیستم بانکی را نیز متضرر ساخته است زیرا که میزان سود پرداختی به سپرده‌گذاران در سال‌های اخیر همواره از میزان تورم کمتر بوده است و به عبارت دیگر نظام بانکی قدرت خرید سپرده‌گذاران و در واقع اعتمادکنندگان به نظام بانکی را تضعیف نموده‌اند.

در سال‌های اخیر که سیاست تعدیل اقتصادی به اجرا درآمد، فشارهای تورمی روزبه‌روز افزایش یافت. بر اساس گزارش رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری کشور از ۱۰۰ در سال ۱۳۶۹ (سال پایه) به ۱۲۰/۷ واحد در سال ۱۳۷۰، ۱۵۰/۱ واحد در سال ۱۳۷۱، ۱۸۴/۳ واحد در سال ۱۳۷۲ و سپس ۲۴۹/۳ واحد در سال ۱۳۷۳ و ۳۷۲/۴ واحد در سال ۱۳۷۴ افزایش داشت. به عبارت دیگر، میزان تورم از ۳۵/۲ درصد در سال ۱۳۷۳ به ۴۹/۴ درصد در سال ۱۳۷۴ رسید.

○ با تصویب قانون بانکداری بدون ربا و روشن شدن فضای فعالیت بانک‌ها در قالب عقود اسلامی، کاستی‌های گذشته تا حدودی برطرف شد، اما بانک‌ها تحت تأثیر مالکیت و سیاست‌گذاری دولت نتوانستند به عنوان مؤسسات اقتصادی مستقل ایفای نقش کنند.

شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها نیز از ۱۰۰ در سال ۱۳۶۹ (سال پایه) به ۱۲۶/۶ واحد در سال ۱۳۷۰، ۱۶۸/۹ واحد در سال ۱۳۷۱، ۲۱۱/۷ واحد در سال ۱۳۷۲ و ۳۰۱/۴ واحد در سال ۱۳۷۳ و سپس ۴۸۲/۷ واحد در سال ۱۳۷۴ رسید.

شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها در سال ۱۳۷۳ به میزان ۴۲/۴ درصد و در سال ۱۳۷۴ به میزان ۶۰/۲ درصد ترقی کرده است.

در تمام این سال‌ها، بیشترین میزان سود اعطایی به سپرده‌گذاران در بخش سپرده‌های بلندمدت پنج‌ساله و کمتر از ۲۰ درصد بوده است. به این ترتیب، نظام بانکی کشور نه تنها از نتیجه فعالیت‌های اقتصادی سودآور خود در سال‌های اخیر، بخشی در حد «تورم» را به سپرده‌گذاران پرداخت نکرد، بلکه قدرت خرید آنها را محدود ساخت. به عبارت دیگر، می‌توان گفت سپرده‌گذاران نزد بانک‌ها توان ارزیابی اقتصادی درستی نداشته‌اند. کم‌اینکه جریان

## نقدینگی

(ارقام میلیارد ریال)

مانده در پایان سال					شرح
۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۲	۱۳۷۱	۱۳۷۰	
۴۰۹۶۷/۳	۳۰۴۳۱/۸	۲۱۴۱۲/۷	۱۶۳۶۸/۶	۱۳۶۴۰/۸	۱- پول:
۱۰۶۷۳/۰	۸۷۰۰/۶	۶۸۳۲/۰	۵۳۵۹/۳	۴۵۷۹/۹	اسکناس و مسکوک در دست اشخاص
۳۰۲۹۴/۳	۲۱۷۳۱/۲	۱۵۵۸۰/۷	۱۱۰۰۹/۳	۹۰۶۰/۹	سپرده دیداری بخش غیردولتی
۴۴۱۰۴/۹	۳۱۴۱۲/۱	۲۵۷۲۲/۳	۱۹۴۷۹/۴	۱۴۹۸۷/۶	۲- شبه پول:
۴۶۱۶/۳	۳۴۹۴/۷	۲۶۸۳/۱	۲۴۴۱/۰	۱۸۶۸/۶	سپرده‌های قرض الحسنه پس‌انداز
۲۸۴۱۶/۹	۲۲۵۱۶/۹	۱۹۰۵۲/۸	۱۴۶۴۶/۷	۱۱۷۳۹/۶	سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار
(۱۵۰۳۳/۳)	(۱۲۰۸۴/۳)	(۱۰۳۰۴)	(۸۱۱۵/۸)	(۶۸۰۹/۹)	سپرده‌های کوتاه‌مدت
(۱۳۳۸۳/۶)	(۱۰۴۳۲/۶)	(۸۷۴۸/۸)	(۶۵۳۰/۹)	(۴۹۲۹/۷)	سپرده‌های بلندمدت
۱۱۰۷۱/۷	۵۵۴۰۰/۵	۳۹۸۶/۴	۲۴۰۹/۷	۱۳۷۹/۴	سپرده‌های متفرقه
۸۵۰۷۲/۲	۶۱۸۴۳/۹	۴۸۱۳۵	۳۵۸۶۶	۲۸۶۲۸/۴	نقدینگی (پول + شبه پول)

توضیحات: حجم پول عبارت است از مجموع اسکناس و مسکوک در دست اشخاص و سپرده دیداری بخش غیردولتی

شبه پول عبارت است از مجموع سپرده‌های قرض الحسنه پس‌انداز و سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار و سپرده‌های متفرقه

سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار عبارت است از مجموع سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت

سپرده‌های متفرقه شامل پیش‌پرداخت اعتبارات اسنادی، سپرده ضمانت‌نامه‌ها، پیش‌پرداخت بابت معاملات و وجوه صندوق بازنشستگی و پس‌انداز کارکنان بانک‌ها می‌باشد.

تأثیرگذار بر رشد فشارهای تورمی است، در سال‌های اخیر با افزایش سهم حجم پول در نقدینگی از ۴۶/۹ درصد در سال ۱۳۷۰ به حدود ۴۹/۲ درصد در سال ۱۳۷۴ عدم توفیق بانک‌ها را در جذب نقدینگی جامعه نشان می‌دهد. در همین دوره زمانی، سهم سپرده‌های غیردیداری بانک‌ها (قرض الحسنه، سپرده‌های مدت‌دار و متفرقه) از ۵۳/۱ درصد در سال ۱۳۷۰ به ۵۰/۸ درصد در سال ۱۳۷۴ کاهش یافت. به این ترتیب تفاوت فاحش میان میزان تورم و سود اعطایی به سپرده‌های بانکی غیردیداری، تأثیر خود را در کاهش انگیزه سپرده‌گذاری نزد سیستم بانکی نهاده است.

این پدیده ناشی از تعیین سقف اعطای سود به سپرده‌ها در حدی پایین‌تر از میزان تورم می‌باشد که بانک مرکزی سالانه آنها را اعلام می‌کند. از سوی دیگر این روند نشان می‌دهد که مدیریت دولتی و اعمال نظر بخش عمومی بر نظام بانکی کشور (در قالب ضرورت اعطای تسهیلات تکلیفی)، سبب شده است که بانک‌ها از مجموعه فعالیت‌های اقتصادی نتوانند دست‌کم به عملکردی در حد تورم برسند و تأثیر کار خود را به‌طور مستقیم بر سپرده‌گذاران تحمیل کرده‌اند.

چنانچه مجموعه نظام اقتصادی کشور بخواهد سیستم بانکی را

بر اساس گزارش بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حجم نقدینگی از ۲۸۶۲۸/۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۰ به ۳۵۸۶۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۱ و سپس به ۴۸۱۳۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۲ افزایش یافت. با وجود اعمال سیاست‌های انقباضی پولی، حجم نقدینگی در سال ۱۳۷۳ به ۶۱۸۴۳/۹ میلیارد ریال و در پایان سال ۱۳۷۴ به ۸۵۰۷۲/۲ میلیارد ریال رسید. بر اساس آخرین اطلاعات منتشره از سوی بانک مرکزی در پایان آذرماه سال جاری حجم نقدینگی بالغ بر ۹۲۰۰۰ میلیارد ریال بوده است. کارشناسان اقتصادی پیش‌بینی می‌کنند حجم نقدینگی در پایان سال ۱۳۷۵ در حدود ۱۰۰ تریلیون ریال باشد.

در جدول زیر نقدینگی کشور در سال‌های اخیر به نقل از بانک مرکزی آمده است:

○ شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها در سال ۷۳ به میزان ۴۲/۴ درصد و در سال ۷۴ معادل ۶۰/۲ درصد ترقی کرد.

با عنایت به این امر که حجم پول در مجموعه نقدینگی

ماندهٔ مجموع تسهیلات اعطایی سیستم بانکی به بخش‌های دولتی و غیردولتی در پایان سال ۱۳۷۴ به ۱۳۱۰۷/۲ میلیارد ریال رسید که نسبت به سال قبل از آن ۲۱/۲ درصد افزایش داشت. این رقم شامل تسهیلات پرداختی بابت مابه‌التفاوت نرخ ارز و سود و درآمد سال‌های آتی تسهیلات و کسری حساب ذخیره تعهدات ارزی نمی‌باشد. از این مبلغ ۵۱۶۴/۷ میلیارد ریال مربوط به بخش دولتی و ۷۹۴۲/۵ میلیارد ریال مربوط به بخش غیردولتی است.

گزارش بانک مرکزی می‌افزاید: مانده مطالبات بانک‌های تجاری از بخش غیردولتی در سال ۱۳۷۴ با رشدی معادل ۲۲ درصد به ۳۱۶۱۴ میلیارد ریال رسید و مانده مطالبات بانک‌های تخصصی از این بخش با ۳۱/۵ درصد رشد به ۹۳۵۳/۷ میلیارد ریال بالغ شد.

مقایسهٔ نرخ رشد ماندهٔ مطالبات بانک‌های تجاری و تخصصی در سال ۷۴ نشان می‌دهد که اعتبارات اعطایی از سوی بانک‌های تخصصی، رشدی سریع‌تر از بانک‌های تجاری داشته است. در مجموع رشد تسهیلات اعطایی بانک‌های تجاری و تخصصی در سال ۱۳۷۴ به ۲۴ درصد رسید، در حالی که در سال ۱۳۷۳، معادل ۲۰/۸ درصد بود. با این احتساب، در مجموع ۸۶/۸ درصد از افزایش در مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش غیردولتی در قسمت‌های تولیدکننده کالا و ۱۳/۲ درصد در بخش‌های خدمات، بازرگانی و قرض‌الحسنه برای رفع نیازهای ضروری صرف شد.

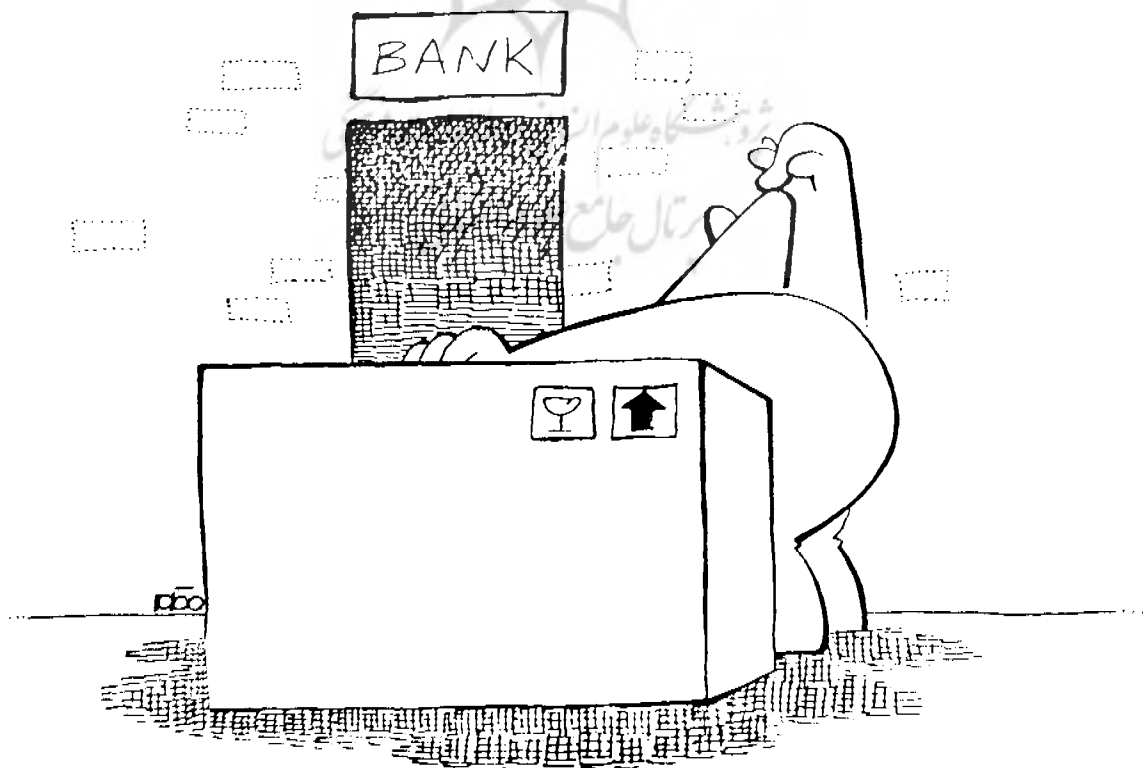
به بخشی فعال و سودآور (کارآمد) تبدیل نماید، ضرورت دارد که فعالیت‌های بانکی از آزادی عمل و توجیه اقتصادی برخوردار شود. دست‌کم می‌توان حجم تسهیلات تکلیفی بانک‌ها را در قالب بودجه‌های سالانه تقلیل داد و به عملکرد واقعی مثبت نظام بانکی دست یافت.

با این حال ذکر این نکته اهمیت دارد که قانون بانکداری بدون ربا مشکلی برای فعالیت بانک‌ها ایجاد نمی‌کند، زیرا که عقود اسلامی زمینهٔ بسیار وسیعی را برای عملکرد سودآور بانک‌ها فراهم کرده است و چنانچه بانک‌ها مجاز باشند در قالب این قانون به‌طور آزاد عمل کنند، مسلماً می‌توانند مجموعه‌ای سودآور باشند.

توفیق بانک‌ها در جلب اعتماد مردم به سپرده‌گذاری و ارائهٔ خدمات متنوع به آنها سبب شد که حجم سپرده‌ها نزد بانک‌ها افزایش داشته باشد.

○ در سال‌های اخیر بیشترین سود اعطایی به سپرده‌های مردم نزد بانک‌ها مربوط به سپرده‌های ۵ ساله و همچنان کمتر از ۲۰ درصد بود. بانک‌ها نه‌تنها خود نتوانستند به سودی قابل قبول از فعالیت‌های اقتصادی دست یابند، بلکه قدرت خرید سپرده‌گذاران را تحلیل بردند.

گزارش بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران حاکی است



○ قوانین بانکداری بدون ربا در حد کافی قدرت مانور برای بانک‌ها برای حضور فعال در عرصه فعالیت‌های اقتصادی ایجاد کرده و می‌تواند ابزارهای مناسبی در اختیار مدیریت بانکی برای ارزیابی دقیق طرح‌های اقتصادی قرار دهد تا در نهایت در جهت اهداف دولت برای کمک به اقتصاد کشور فعالیت کند.

گزارش بانک مرکزی حاکی است که عملکرد تسهیلات اعطایی بانک‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی در سال ۱۳۷۴ با آنچه از پیش تصویب شده بود، تفاوت داشت. عملکرد تسهیلات اعطایی به بخش کشاورزی کمتر از سقف پیش‌بینی شده و بقیه بخش‌ها بیش از آن بود که به شرح زیر است:

#### سهم نسبی تسهیلات (درصد)

بخش اقتصادی	مصوب	عملکرد
کشاورزی	۲۵	۲۱
صنعت و معدن	۳۳/۵	۳۵/۳
ساختمان و مسکن	۲۹	۳۰/۵
بازرگانی، خدمات و متفرقه	۱۲/۵	۱۳/۲

گزارش بانک مرکزی نشان می‌دهد که مانده بدهی شرکت‌ها و مؤسسات دولتی به بانک‌ها در سال ۱۳۷۴ با ۳۱۲۸/۴ میلیارد ریال افزایش نسبت به سال ۱۳۷۳ به ۷۸۸۲/۸ میلیارد ریال رسیده است که از رشدی معادل ۶۵/۸ درصد برخوردار است. بخشی از این افزایش در قالب بدهی شرکت‌ها و مؤسسات دولتی بابت مابه‌التفاوت نرخ ارز می‌باشد. همچنین مانده بدهی دولت بابت کسری حساب ذخیره تعهدات ارزی در سال ۱۳۷۴ معادل ۶۵۶۹/۴ میلیارد ریال افزایش داشت.

این گزارش می‌افزاید: با توجه به افزایش بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی که به‌طور عمده از عملیات مربوط به حساب ذخیره تعهدات ارزی است، پایه پولی و به تبع آن تسهیلات بانک‌ها افزایش یافته و در نتیجه نقدینگی از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار شده است. به‌گونه‌ای که نرخ رشد این متغیر در سال ۱۳۷۴ (نسبت به سال ۱۳۷۳) به ۳۷/۶ درصد رسید، در حالی که در سال ۱۳۷۳ (نسبت به سال ۱۳۷۲) رشدی معادل ۲۸/۵ درصد داشت.

○ سهم سپرده‌های غیردیداری بانک‌ها در نقدینگی از ۵۳/۱ درصد در سال ۱۳۷۰ به ۵۰/۸ درصد در سال ۷۴ تقلیل یافت. تفاوت فاحش میان میزان تورم و سود اعطایی به سپرده‌های بانکی غیردیداری تأثیر خود را در این امر و کاهش انگیزه پس‌انداز نزد بانک‌ها نشان داده است.

بررسی ترکیب نقدینگی در پایان سال ۱۳۷۴ نشان می‌دهد که روند کاهش سهم اسکناس و مسکوک در نقدینگی همچنان ادامه داشته است به طوری که سهم آن از ۱۴/۱ درصد در سال ۷۳ به ۱۲/۵ درصد در سال ۷۴ تقلیل یافت که عامل عمده کاهش سهم پول در نقدینگی بود.

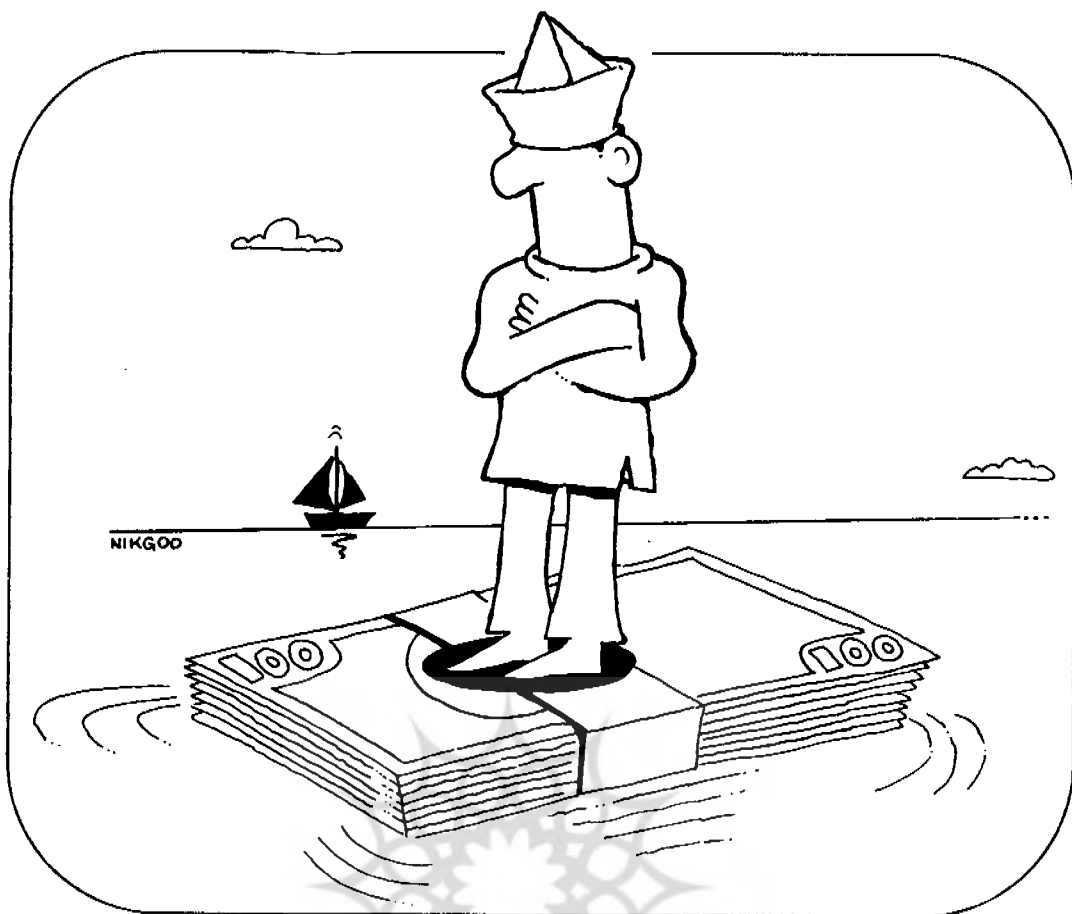
سهم پول در نقدینگی از ۴۹/۲ درصد در سال ۷۳ به ۴۸/۲ درصد در سال ۷۴ رسید. مجموع سپرده‌های بخش غیردولتی در سال ۷۴ نسبت به سال ۷۳ به میزان ۴۰ درصد افزایش یافت، در حالی که رشد این متغیر در سال ۷۳ (نسبت به سال ۷۲) معادل ۲۸/۷ درصد بود.

به دیگر سخن، بانک‌ها در سال ۱۳۷۴ همانند سنوات گذشته بیشتر در خدمات دولت و شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به آن بودند و در اعطای تسهیلات اعتباری به این بخش در اثر تکلیف مشخص شده در بودجه سال ۷۴، دست‌ودلبازی داشتند.

از آنجا که مجموع اعتبارات اعطایی بانک‌ها، سقف تسهیلات اعطایی به هر بخش اقتصادی و مسیر اعطای اعتبارات بیشتر از سوی دولت تعیین شده و در کانال‌های دولتی اعطا شده است، قدرت تصمیم‌گیری بانک‌ها در برآورد نیازهای اعتباری طرح‌های اقتصادی محدود شد.

بسیاری از واحدهای تولیدی که مجبور بودند از نرخ ارز صادراتی (هر دلار ۳۰۰۰ ریال) از خردادماه ۷۴ به بعد استفاده کنند، در عمل با کمبود نقدینگی روبه‌رو شدند و قادر به تأمین منابع ریالی برای استفاده از تخصیص‌های ارزی نبودند. سیستم بانکی نیز نتوانست آن‌چنان که باید در خدمات واحدهای اقتصادی مولد بخش خصوصی فرار گیرد.

اگرچه به این واحدها پیشنهاد شد که از طریق افزایش سرمایه، فروش سهام و... نیازهای پولی خود را تأمین کنند و کماکان بسیاری از واحدها نیز به لحاظ دست‌یافتن به منابع بانک‌ها مجبور شدند که این رادحل را بپذیرند، لیکن می‌توان گفت که این امر ضعف بانک‌ها را در برآورده ساختن نیازهای اعتباری نشان می‌دهد و در واقع آنها



قادر به ایفای نقش خود و کسب جایگاه اقتصادی مناسب نبوده‌اند.

طریق پرداخت سودهای کمتر از میزان تورم می‌باشد و می‌تواند به محدودیت سپرده‌گذاری نزد بانک‌ها و در نهایت نزول سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلند و کوتاه‌مدت، بینجامد. قدر مسلم آن است که چنین پدیده‌ای بروز بحران‌های اقتصادی و نابسامانی‌های اجتماعی را به دنبال خواهد داشت.

○ مانده بدهی شرکت‌ها و مؤسسات دولتی به بانک‌ها در سال ۷۴ با ۳۱۲۸/۴ میلیارد ریال افزایش نسبت به سال ۷۳ به ۷۸۸۲/۸ میلیارد ریال رسید که از رشدی معادل ۶۵/۸ درصد برخوردار بود.

○ بانک‌ها در سال‌های گذشته بیشتر در خدمت دولت و شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به آن بودند و در اعطای تسهیلات اعتباری به این نهادها دست و دلبازی نشان داده‌اند، در حالی که بسیاری از واحدهای تولیدی برای بهره‌مندی از سهمیه‌های ارزی تخصیص یافته به خود، با کمبود نقدینگی روبه‌رو شده‌اند.

سیستم بانکی در اقتصاد ایران بیش از آنکه در خدمت نظام اقتصادی و نیازهای پولی آن باشد، در خدمت دولت و مؤسسات و نهادها وابسته به آن است. چنانچه تشدید روند رونق فعالیت بخش خصوصی منظور باشد، با حرکت این‌چنینی نظام بانکی، به‌سهولت نمی‌توان به این منظور دست یافت، گذشته از آنکه نتیجه چنین فرآیندی انتخاب طرح‌های کم‌بازده، دریافت سود کمتر (با نرخ‌های تکلیفی) و سرانجام انتقال این فشار به سپرده‌گذاران از